

## رابطه پیشگیری از جرم و حق بر آموزش از منظر حقوق ایران و اسلام

انورخیرآبادی<sup>۱</sup>

جواد نیک نژاد<sup>\*۲</sup>

محمد بارانی<sup>۳</sup>

مهدی اسماعیلی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۵

### چکیده

جوامع انسانی دارای ساختارهایی از قواعد و هنجارها هستند و حقوق، رفتارهای مشروع و نامشروع افراد را معین می‌کند، بر این اساس مساله حکمرانی و حیات اجتماعی به ناگزیر به ساختار و قواعد حقوقی پیوند می‌خورد و باتوجه به فرض عقلایی بودن افراد آگاهی از جرم و عواقب آن می‌تواند نقش سازنده‌ای در پیشگیری و بازدارندگی در زمینه ارتکاب جرم داشته باشد، براساس آموزه‌های اسلامی، عقلی، منطقی و قانونی پیشگیری از جرم امری عقلایی و حکیمانه و مدبرانه و به لحاظ کارکردی سودمند است هم زمان با تاکید دین مبین اسلام بر حق برخورداری انسان‌ها از آموزش که به تعبیری سرچشمه آغاز بعثت و رسالت پیامبر است در قانون اساسی و سایر مقررات هم آموزش به عنوان یک حق مسلم مورد تاکید قرار گرفته لذا اگر جرمی به خاطر جهل و ناآگاهی صورت پذیرد بدان معنا است که تدابیر پیشگیرانه و حق عموم در پیشگیری از جرم به وقوع نخواهد پیوست و هر دو حق یعنی حق پیشگیری از جرم و حق آموزش از مصادیق حقوق عمومی و مورد احترام قانون و شریعت هستند و این مقاله گسترده‌ی هر دو حق را روشن می‌سازد و به تبیین اهمیت آن خواهد پرداخت.

**واژگان کلیدی:** حق بر آموزش، پیشگیری از جرم، حقوق ایران و اسلام، حکمرانی

۱. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی،

آمل، ایران

۲. استادیار گروه حقوق، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران

\* نویسنده مسئول: j.niknejad@yahoo.com

۳. استادیار گروه حقوق، دانشگاه علوم انتظامی، تهران، ایران.

۴. استادیار، گروه حقوق، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران

## مقدمه

برابر معانی عقلی، شرعی و قانونی پیشگیری از جرم امری لازم است و همزمان آموزش حقی اساسی، فراگیر و به رسمیت شناخته شده است و هرگاه این دو مقوله یعنی پیشگیری از جرم براساس مبانی علمی و اصول جرم‌شناسی و آموزش‌های تخصصی هرگاه با آموزش و آگاهی و غلبه بر جهل و نادانی از جرم پیشگیری شود در این صورت می‌توان گفت که مبانی جرم‌شناسی و آموخته‌های مبتنی بر پیشگیری از جرم با آموزش‌های علمی و تخصصی به خوبی تلفیق یافته و امنیت و آسایش جامعه محفوظ است با این دیدگاه درخواهیم یافت که پیشگیری بر درمان رجحان دارد به عبارت دیگر پیشگیری اجتماعی از جرم بر مبارزه‌ی با مجرمین و مبتنی بر پیشگیری کیفری برتری دارد در این مقاله با توجه به این که پیشگیری از جرم و آموزش هر دو از حقوق اساسی و شناخته شده برای آحاد تک‌تک شهروندان است تلاش می‌کنیم که رابطه‌ی پیشگیری از جرم و حق بر آموزش را تشریح نموده بدین منظور ابتدا جایگاه پیشگیری از جرم را در حقوق اسلام و ایران بررسی خواهیم نمود. پس از آن با ذکر دلایل در حقوق ایران و اسلام به اهمیت جایگاه آموزش خواهیم پرداخت. آن‌گاه چستی هریک از دو موضوع پیشگیری از جرم و آموزش را به طور اختصار توضیح داده و سرانجام به طرح الگوی راستین و موازنه در اجرای پیشگیری از جرم از یک سو و حق بر آموزش به عنوان یک حق اساسی برای آحاد شهروندان خواهیم پرداخت.

## بازدارندگی و پیشگیری از جرم و حقوق اسلام

وجوه مهم و برجسته ضرورت پیشگیری از جرم را در حقوق اسلام تبیین می‌نماید اول این که ترجیح پیشگیری از جرم بر کیفر مجرمین امری عقلانی و منطقی است و شارع مقدس اسلام بر این امر تاکید دارد. اگر تقدم پیشگیری از جرم بر درمان و علاج از احکام مستقل بدیهی عقل باشد که هست قطعاً شریعت با آن موافق است اگر هم این

تقدم بنا و مسیرهای عقلایی است شرع اقدس آن را رد نکرده و همین اندازه در کشف رضایت شرع به این روش کفایت می‌کند.

دوم برخلاف آنچه تصور می‌شود که اسلام مجازات را اکسیر اعظم و درمان درد نمی‌داند بلکه از رویکرد اسلام استفاده از مجازات و کیفر باید به صورت حداقل ممکن باشد برابر اصل ضرورت جرم‌انگاری، جرم‌انگاری و مجازات آخرین چاره‌ی راه است و فقط در صورت ضروری باید به سراغ آن رفت در حوزه‌ی تعزیرات و جرم‌انگاری اعمال حرام و زیان‌بار این اصل از اصول راهنماست اصل استفاده‌ی کمینه از کیفر و مجازات نیز از اصول اسلامی است و فقهای عامه و خاصه بر آن تصریح کرده‌اند. محدودکردن آزادی دیگران در قالب جرم‌انگاری یا محاذات به توجیهی قوی و صراحتی ضروری نیاز دارد به همین ترتیب از نظر اسلام رعایت میانه‌روی و اعتدال امری ضروری است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۱: ۵۰۳). سوم وجوب عقلی مقدمه واجب است بخشی از مصادیق پیشگیری مصادق مقدمه واجب است درواقع اگر ساختن جامعه‌ی سالم و پای‌بند به ارزش‌های اسلامی و انسانی همراه با برخورداری از امنیت و آموزش باشد در مواردی یکی از مقدمات آن پیشگیری از وقوع جرم است و آموزش در این زمینه نقش مهمی ایفا می‌کند.

چهارم راه برای بیان اهمیت پیشگیری موضوع تفسیری خاص از ماهیت نهی است برخی ماهیت نهی را به طلب ترک فعل منهی‌عنه تفسیر و تعبیر می‌کنند براین اساس بسیاری از مصادیق پیشگیری از جرم جلوگیری از مقدماتی است که زمینه‌ساز امر حرام و مبارزه با جهل و نادانی است. پنجمین مفهوم مرتبط با پیشگیری «سدّ ذرایع» است به معنای لزوم بستن باب شرها و بدی‌هاست یعنی راه‌ها و طرقی که به شر و بدی می‌انجامد باید بسته شود. جهالت و نادانی مقدمه‌ی فعل حرام و جرائم است بنابراین آگاهی و آموزش روش مبارزه با این بدی‌ها است. ششمین مفهوم مرتبط با پیشگیری از جرم یا امر به معروف و نهی از منکر است امر به معروف و نهی از منکر از مصادیق بارز پیشگیری از جرم است که مورد شریعت اسلام قرار گرفته دعوت به خیر و آگاهی امری پسندیده و مبارزه با شری و ظلم و جهل مفهومی مقدس در شریعت اسلام است. هفتمین مفهوم مرتبط با مقوله‌ی پیشگیری از جرم اعانت برای اثم یا کمک‌کردن به



ارتکاب گناه است. حرمت امانت بر اثم اغلب همچون قاعده‌ی پذیرفته شده است آن‌گاه مصادیقی از ترک پیشگیری می‌تواند مصداق امانت بر اثم باشد زمانی است که با جهل و نادانی زمینه ارتکاب جرم فراهم آید. هشتمین دلیل بر اهمیت پیشگیری در اندیشه اسلامی و حقوق اسلام سیاهه‌ی بلندی از مواردی است که به طور خاص مورد تأکید اسلام قرار گرفته است.

تزکیه و مکارم اخلاق از اهداف بعثت پیامبران و از جمله پیامبر اسلام بوده است در حقوق اسلام پیشگیری اجتماعی و فردمدار بر پیشگیری وضعی حکومت‌مدار مقدم است و اساساً بعثت انبیاء آموزش، آگاهی و تعلیم و تربیت است و مبارزه با جهل و نادانی آثار پیشگیری اجتماعی از جرم نامحسوس اما دیرپا و بنیادین است به این معنا که تعقل و دانایی یو آموزش بر تیرگی رجحان دارد. پیشگیری از جرم از نظرگاه حقوق اسلامی امری عمومی و به دولت اختصاص ندارد در اسلام پیشگیری امری فراگیر و همگان اعم از حکومت و اشخاص تکلیف دارند که در راستای امر به معروف و نهی از منکر که از مستندات مشروعیت و بلکه وجوب پیشگیری است تبعیت نمایند به همین دلیل هم دانایی، آموزش، آزادی و آزاداندیشی مورد حمایت جامعه‌ی اسلام است (نوبهار، ۱۳۸۸: ۳۳۲).

## دلایل اهتمام حقوق اسلام به آموزش

اول منظور از آموزش در اینجا بالا بردن سطح آگاهی‌های مردم نسبت به ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها می‌باشد، بسیاری از کسانی که مرتکب جرایم قراردادی و غیرطبیعی می‌شوند به خاطر نادانی نسبت به نامشروع بودن و اخلاقی نبودن این جرایم است مانند اشخاصی که با ترندهای فراوانی از پرداخت مالیات، فرار کرده و سپس با افتخار می‌گویند که مالیات کمی را پرداخته‌اند. یا نوجوانانی که با زیرکی اموال دیگران را ربوده و یا حیثیت زنی را بر باد داده و بر کرده خود می‌بالند. امروزه این نکته در تحقیقات جرم‌شناسی به اثبات رسیده است که میان جرم و جهل یا میان مجرمات جاهل و نرخ جرم رابطه سببیت وجود دارد. علاوه بر رابطه‌ای که میان جهل و کمیت جرائم وجود دارد میان جهل و کیفیت جرائم نیز می‌توان چنین رابطه‌ای را به دست آورد. مجرمان بی‌دانش یا کم‌دانش در اکثر موارد به جرائم خشنی همچون قتل، تجاوز به عنف، ضرب و جرح و سرقت

مسلحانه دست می‌زنند اما محرمانی که از سطح آموزش بالایی بهره‌مند هستند به سراغ جرائم نرم مانند کلاهبرداری و جعل می‌روند.

دوم بنابراین منظور از آموزش در اینجا آموزش‌های رسمی در مدارس و دانشگاهی نیست بلکه با بالابردن آگاهی اشخاص در زمینه‌های مختلف به ویژه زمینه‌های مرتبط با ارزش‌هاست. بر این اساس باید مسئولیت را میان اشخاص، خانواده‌ها، نهادها و دولت تقسیم کرد تا هر کدام به سهم خود دانش‌افزایی کنند و این مسئولیت در جوامع دینی به صورت تکلیف شرعی حساب شده است و آیات قرآن در هر فرصتی این مهم را گوشزد می‌کنند که هیچ‌گاه از تزکیه و تعلیم و حکمت غافل نباشید (آیه ۱۵۱ سوره بقره). انسان در سنین پایین‌تر استعداد آموزش‌پذیری بیشتری دارد و آنچه که به وی آموخته می‌شود، در تکوین شخصیت وی اثر بیشتری دارد و به صورت نهادینه درمی‌آید. بر همین اساس باید آموزش را از خانه و مدرسه آغاز کرد و حتی آمارها نشان می‌دهد که بیشترین مخاطب تلویزیون را کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند پس این ایده که کودک، چشم و گوش بسته است و در دوران کودکی نباید در معرض اطلاعات و آموزش‌های مهم قرار گیرد، مورد انکار قرار گرفته است. کودکان قدرت بالایی برای فرهنگ‌سازی دارند زیرا والدینشان را به آسانی تسلیم خود می‌سازند. پس آموزش آنها در مدارس به صورت غیرمستقیم در بزرگسالان نیز تاثیر می‌گذارد همان‌گونه که در طرح همیاران پلیس دیده شد چه زود کودکان همیار پلیس والدین خود را مجبور ساختند تا بستن کمربند ایمنی هنگام رانندگی را به صورت فرهنگ عمومی درآورند. البته جای شگفتی دارد که سیر این مسئله به صورت معکوس است و به جای اینکه از خانواده به مدرسه سرایت کند از مدرسه به خانواده می‌رود اما چاره‌ای نیست زیرا والدین فرصت آموزش و گفتگو با فرزندان خودشان را ندارند.

سوم اثر مهم آموزش برای جلوگیری از وقوع جرم را در کاهش هزینه‌ها نیز می‌توان دید زیرا گرچه آموزش کودکان و بزرگسالان نیاز به بودجه و امکانات مالی دارد اما این اصل مسلم را نمی‌توان انکار کرد که هزینه پیشگیری همواره کمتر از هزینه درمان است (زراعت، ۱۳۹۱: ۳۲-۳۱). نقش آموزش را گاهی به عنوان عامل مثبت و گاهی به عنوان عامل منفی مورد بررسی قرار می‌گیرد. آمارهای جنایی در این زمینه نتایج یکسانی



ندارند و حتی با یکدیگر متضاد هستند، برخی از دانشمندان همچون فری و ویکتور هوگو، رابطه معکوسی را میان آموزش و جرم برقرار دانسته‌اند به گونه‌ای که گسترش آموزش در جامعه با کاهش جرائم رابطه مستقیم دارد و این جمله مشهور را بیان کرده‌اند که «گشودن یک مدرسه به معنای تعطیل کردن یک زندان است.» اما گروهی دیگر عکس آن نتیجه را گرفته و رابطه میان آموزش و جرم به کلی انکار می‌کنند این دیدگاه‌ها هم مثل اکثر دیدگاه‌ها رنگ افراط و تفریط به خود گرفته‌اند و به دلایلی همچون یک‌سویه‌نگری و عدم توجه به میان رشته‌ای بودن علم جرم‌شناسی و نیز نقصان داده‌ها قابل اعتماد نیستند. چهارم آموزش به منزله شمشیری دولبه است که یک لبه آن برای احیای ارزش‌های اخلاقی مورد استفاده قرار می‌گیرد و لبه دیگر آن ابزار فساد است پس باید نحوه استفاده از آن را مورد توجه قرار داد. جنبه مثبت دانش اثرات مستقیم یا غیرمستقیم برای عدم تحقق جرائم دارد از جمله اینکه انسان‌های عالم، موقعیت بارزی در جامعه پیدا می‌کنند و همین موقعیت، ترمزی برای جلوگیری از ارتکاب جرم می‌باشد.

پنجم اثر دیگر آموزش و علم آن است که مانع تحقق جرائم می‌شوند که با سوء استفاده از جهل دیگران صورت می‌گیرد مانند کلاهبرداری که غفلت و جهل رکن مهم آن است و بسیاری از مجرمان با اغفال دیگران اموال آنها را می‌ربایند حال آنکه اگر قربانی جرم بداند که رمالی و شفادادن بیماران و برقراری آشتی میان زن و شوهر و اعمالی از این قبیل واقعیت ندارد تن به چنین اعمال نمی‌دهد و زمینه ارتکاب جرم از بین می‌رود. نقش آموزش در زمینه بازدارندگی و جلوگیری از تحقق جرم، پررنگ‌تر از بقیه زمینه‌هاست. بسیاری از کسانی که مرتکب جرائم مهمی می‌شوند نسبت به عواقب دشوار آن آگاهی ندارند و گرنه چنانچه قبل از ارتکاب جرم، نتایج و پیامدهای آن را مرور کرده و آگاهی پیدا کنند ممکن است از ارتکاب آن چشم‌پوشند مگر اینکه سود ارتکاب جرم بیشتر از زیان ناشی از مجازات باشد مسئله آموزش در بخش شکلی جرم نیز قابل طرح است زیرا بسیاری از مجرمان با این امید دست به ارتکاب جرم می‌زنند که دستگیری و مجازات آنها تحقق پیدا نخواهد کرد اما چنانچه پیشرفتهای علمی و کشف فنی جرائم چنین امیدی را تبدیل به یاس کرده و یا احتمال آن را کاهش دهد رویکرد به ارتکاب جرم نیز کاهش می‌یابد (زراعت، ۱۳۹۱: ۲۳۸).

## چیستی حق آموزش و پیشگیری از جرم

تقریباً در تمامی کشورها، تعلیم و تربیت برای تک‌تک شهروندان، حداقل در حد نظر، حق تلقی می‌شود و باید مانند کالایی همگانی، در دسترس همگان قرار گیرد. چنان‌که نخستین حق شهروندی برخوردار از تعلیم و تربیت رایگان است، تعلیم و تربیت نخستین پیروزی و برتری انسان امروزی نیز هست حق بر آموزش امتیاز و توانایی است که به اشخاص داده می‌شود تا از رهگذران از آموزش دلخواه و شایسته برخوردار شوند (گرچی، ۱۳۸۷: ۲۳). حق بر آموزش شامل جنبه‌های گوناگون آزادی‌های آموزشی و علمی، بخش مهمی از حقوق بشر معاصر را تشکیل می‌دهد اگرچه حق بر آموزش عموماً یک حق فرهنگی محسوب می‌شود اما با سایر حقوق بشر نیز ارتباط دارد. برخوردار از بسیاری از حقوق مدنی و سیاسی مانند آزادی اطلاعات، بیان، تجمع و تشکیل اتحادیه، حق ماموران و انتخاب‌شدن یا حق دسترسی به خدمات عمومی منوط به یک سطح حداقل از آموزش است. بسیاری دیگر از حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی مانند حق انتخاب کار، دستمزد برابر برای کار برابر، تشکیل اتحادیه‌های تجاری، مشارکت در زندگی فرهنگی و... فقط هنگامی می‌تواند معنای منطقی داشته باشد که به سطح حداقلی از آموزش رسیده باشیم. آموزش امروزه در جهان معاصر کارکردی چندگانه دارد.

در گذشته علم و داشتن آن به خودی خود ارزشمند بود. اما امروزه تقریباً همه علوم با هدف تامین نیازهای علمی جامعه تدوین می‌شوند. آموزش و پرورش جهان مدرن امروز بر داشتن ارزش نظری واجد فواید عملی در جهت رفع نیازهای اجتماعی نیز هستند. آموزش و پرورش نه تنها در جهت ارتقای سطح فکری و اجتماعی فرد نقش دارد. بلکه برای جامعه نیز مفیدتر و ارزشمندتر خواهد بود. تاکید اسناد حق برخوردار از آموزش و پرورش رایگان و اجباری و حق فراگیری شغل با حرفه‌ای خاص به منظور یافتن شغل در آینده در واقع به سهم خود تاکید است بر پیشگیری از حاشیه‌نشینی و جلوگیری از

کنارگذاری شهروندان به لحاظ بیکاری ناشی از نداشتن آموزش حرفه‌ای مناسب (رضوانی، ۱۳۹۱: ۱۸۵).

حق بر آموزش در اعلامیه‌ها و معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای بسیاری همچون اعلامیه حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حقوق کودک بدان اشاره شده است. بر این اساس دولت‌ها مکلفند بدون توجه به فاکتورهای جنسیت، قومیت، نژاد، مذهب و غیره امکانات آموزشی را برای همه فراهم آورند. حق بر آموزش یکی از حقوق به شمار می‌رود که برخورداری از آن پرورش روح مستعد اندیشیدن و به کارانداختن استعداد هوشمندانه انسان را به همراه دارد. رهایی از جهل از برکت تعلیم و تعلم میسر است. همچنان که خداوند در آیات متعدد قرآن تعلیم و تربیت را براساس بعثت پیامبر اکرم قرار داده است تا بدین وسیله زمینه ایجاد جوامع متفکر و توانمند فراهم شود. حق بر آموزش یکی از برجسته‌ترین حق‌های بنیادین بشر است. برخی از حق‌های بنیادین مثل حیات یا حق تمامیت جسمانی نسبت به دیگر حق‌ها بنیادین‌تر است اما حق بر آموزش از جمله حق‌هایی است که بی‌توجهی به آن گوهر هستی انسان را که همان کرامت انسانی به مخاطره می‌اندازد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۵۰۲-۵۰۱). از سوی دیگر این حق فاقد هرگونه محدودیتی بوده به کلیه شهروندان تحت حاکمیت دولت‌ها در هر سن و سالی که باشند تعلق می‌گیرد و نمی‌توان آن را مختص کودکان دانست، به نحوی که حتی از جمله اصول متحد برایی سالمندان نیز دسترسی سالمندان به برنامه مناسب کارآموزی و آموزش و همچنین به امکانات و منابع آموزشی، فرهنگی و معنوی و تفریحی جامعه عنوان گردیده است. آموزش یک پیش‌شرط برای اجرای حقوق بشر است. عمل و احترام به حقوق بشر نه تنها یک هدف مهم آموزشی است بلکه آموزش حقوق بشر در همه سطوح مهم‌ترین وسیله برای ایجاد یک فرهنگ جهانی حقوق بشر است. فقدان آموزش موجب سردرگمی شخص نسبت به مفاهیم اولیه زندگی و درنهایت مفاهیم حقوق بشری و مخافت با آن می‌شود. بنابراین آموزش در رشد و تحقق اهداف مندرج در اسناد حقوق بشری نقش موثری دارد. آموزش با ایجاد تغییر در نگرش عاملی موثر در افزایش رضایتمندی از خود است، آشنایی با شایستگی‌ها و توانایی‌های خود، قدرت انسان را در تغییر و تحلیل دنیای اطراف قوت بخشیده و به



انسان قدرت پیش‌بینی می‌دهد. توانایی در پیش‌بینی نیز موجد توانایی در برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی برای آینده می‌شود. این فرآیند زیربنای تمدن جهانی را تشکیل می‌دهد که بیشک از میراث آموزش صورت گرفته است. آموزش مدنظر ما که اغلب نیز به همین معنا به کار می‌رود آموزشی است که در مدارس و از آموزش ابتدایی آغاز می‌شود و به دانشگاه ختم می‌شود.

درواقع آموزش‌هایی است که به صورت سیستماتیک و در بیشتر موارد توسط دولت یا با نظارت دولت انجام می‌پذیرد که درایران شامل آموزش و پرورش، نهضت سوادآموزی و دانشگاه می‌شود. عهرچند حق بر آموزش و تحصیل به عنوان یکی از حقوقی که بیشتر در زمره حقوق فرهنگی مورد بحث قرار می‌گیرد، اما به عقیده برخی از دانشمندان خود یک حقوق بشری است که منزلت و مقامی بس رفیع است و واجد وصف آمرانه است. اهمیت تعیین ماهیت حق بر آموزش بدین جهت است که اگر آن را از مقوله حقوق مدنی و سیاسی بدانیم باید قائل به آزادی افراد و عدم دخالت دولت باشیم و اگر حق بر آموزش از مقوله حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد. نیازمند کمک‌های مالی و فنی و اقدامات حمایتی است و دولت می‌بایست دخالت فعال و موثر داشته باشد (نیاورانی، ۱۳۸۹: ۳۸۱). و به جهت اینکه حق بر آموزش بخشی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است ماهیت چندوجهی دارد: از یک سو حقی اجتماعی است زیرا موجب تعالی شخصیت فرد در جامعه خواهد بود. از سوی دیگر می‌تواند حقی اقتصادی تلقی شود چراکه در وضعیت اشتغال و معیشت انسان موثر است و در نهایت جزء حقوق فرهنگی است زیرا جامعه بین‌الملل، آموزش را به سمت ایجاد یک فرهنگ جهانی هدایت می‌کند. آنجا که حق بر آموزش که مربوط به فکر و اندیشه انسان و بر او واجد وصف فردی بودن است، به عنوان یکی از حقوق فردی مطرح می‌شود و جزء نسل اول حقوق بشر قرار می‌گیرد. از سوی دیگر به دلیل اینکه تهیه مقدمات و امکانات بهره‌مندی از این حق نیاز به مداخله دولت دارد یا به عبارتی وصف حمایتی داشته و باید از سوی دولت مورد حمایت قرار گیرد جزء نسل دوم حقوق بشر است. بنابراین حق بر آموزش ماهیت پیچیده دارد. دولت موظف است از یک سو با کناره‌گیری و عدم مداخله و از سوی دیگر با انجام اقدامات مثبت زمینه بر خورداری از این حقوق را فراهم

کند و با تدارک مقدمات حداکثر حمایت لازم از این حق را به عمل آورد. لذا در اسناد بین‌الملل حقوق بشر، حق بر آموزش از مصادیق نسل اول و دوم حقوق بشر شمرده شده است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۰). بنابراین حق بر آموزش دارای ماهیت دوگانه می‌باشد اما با این حال نظر غالب در ماهیت حق بر آموزش مثبت بودن این حق بشری می‌باشد که مداخله دولت را می‌طلبد (قاری، ۱۳۸۸: ۲۵۶\_۲۵۴).

### ویژگی‌های حق بر آموزش

این مطلب تحت عنوان ویژگی‌های حق بر آموزش بدان پرداخته می‌شود. اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان یک سند مرجع در زمینه حقوق بشری یکی از نخستین اسناد بین‌المللی به شمار می‌رود که به حق آموزش می‌پردازد. ماده ۲۶ این اعلامیه در سه بند نخست به حق همگانی رایگان و اجباری بودن حق بر آموزش در دوران ابتدایی تاکید کرده است: «هرکس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش لاقلاً تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است، باید مجانی باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل بر روی همه باز باشد تا همه بنا به استعدادهای خود بتوانند از آن بهره‌مند گردند». این اوصاف در بند دوم ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک و ماده ۴ کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش به صراحت بیان شده است.

قوانین اساسی اکثر کشورها هم به این موضوع اشاره دارند از جمله: ایتالیا اصل ۳۴ قانون اساسی ایتالیا می‌گوید: تحصیلات برای همگان آزاد است. آموزش ابتدایی حداقل به مدت ۸ سال اجباری و رایگان است. بلژیک بند ۳ اصل ۲۴ قانون اساسی بلژیک هم اشاره دارد:

همگان در راستای احترام به آزادی‌ها و حقوق بنیادین از حق آموزش برخوردارند. تحصیل تا پایان دوره اجباری و آموزش رایگان می‌باشد. کلیه دانش‌آموزان در دوره اجباری آموزش تا پایان دوره اجباری و آموزش رایگان می‌باشد.

کلیه دانش‌آموزان در دوره اجباری آموزش بر حق دارند با هزینه جامعه تحت آموزش اخلاقی یا مذهبی قرار بگیرند.

اسپانیا: به موجب اصل ۲۷ قانون اساسی اسپانیا کلیه افراد از حق تحصیل و دانش‌اندوزی برخوردارند. آزادی آموزش به رسمیت شناخته می‌شود. به منظور مطابقت نظام آموزشی با قوانین و مقررات کشور مقام دولتی باید نظام آموزشی را طبقه و درجه‌بندی و بر آن نظارت نمایند در قانون اساسی کشورهای دیگر مثل ژاپن، کره جنوبی، مراکش، الجزایر، مصر و سوئیس هم به این حق اشاره شده است (جمشیدی، ۱۳۹۲: ۷۰).

مهم‌ترین ویژگی حق آموزش، همگانی بودن آن است. این بدان معناست که این حق محدود به گروه خاصی نمی‌باشد و غیرقابل سلب بوده و بدون توجه به اوصاف عرضی انسان‌ها برای تمامی آنها پذیرفته شده خواهد بود. انسان از یک سو به عنوان موجودی عقلانی جهت رشد و تعالی شخصیتی خود و لزوم برقراری ارتباط موثر با یکدیگر خصوصاً با پیچیده‌تر شدن روابطشان نیازمند آموزشهای مختلف هستند و از سوی دیگر جهت پیشرفتهای مادی و فنی خود از طریق به کارگیری معوماتشان در اشتغال و کسب درآمد و رفاه بیشتر در زندگی خصوصی و نهایتاً توسعه مناطق و کشورهای خود نیازمند برخورداری از آموزش به نحو مطلب هستند. لذا اهمیت بهره‌مندی همه انسانها از آموزش و فرصت‌های آموزشی بدون هیچ‌گونه تمایزی تنها به دلیل بودن مورد توجه و تاکید است. برابری فرصتها و عدالت آموزشی ابزار و سازوکاری است که موجب شکوفاشدن اندیشه‌های خلاق شده و موقعیتی اطلاق می‌شود که در آن حتی افرادی که از پایگاه ثروت و یا عضویت در گروه‌هایی که از امکانات ویژه برخوردار نیستند، امکان تحرک اجتماعی از طریق آموزش و تحصیل را دارا باشد (محمدی، دهقان، ۱۳۸۳: ۱۲۳-۱۲۲).

آموزش و پرورش به عنوان نظام بنیادی در شکوفایی استعدادها جوان است و پلی حساس در انتقال معارف و میراث جدید مهم‌ترین نقش را در رشد و شکوفایی هر قوم و ملتی بر عهده دارد، نهاد آموزشی با پذیرفتن چنین نقشی امانت‌دار گرانبهارترین سرمایه کشور است. از سوی دیگر انتقال ارزشها و هنجارهای رفتاری توسط این نظام نمایانگر هدایت و هویت بخشی به ساختار فرهنگ ارزشی توسط یک نهاد است. گامهایی که در راستای تقویت تحکیم مبانی اعتقادی و معنوی دانش‌آموزان رشد فضایل اخلاقی، ارتقای بینش سیاسی، شکوفاکردن و پرورش استعدادهای آنان و مسئولیت‌پذیری و پایبندی به



نظم و انضباط فردی و اجتماعی برداشته می‌شود منجر به تقویت ساختار ارزشی و فرهنگی کشور شده که با خود توسعه و پیشرفت جامعه به ویژه توسعه فرهنگی را به همراه خواهد داشت.

اجباری و رایگان بودن از جمله دیگر خصایصی است که باید برای حق آموزش برشمرد. اجباری بودن تحصیلات ابتدایی و تعمیم آموزش فنی و حرفه‌ای یکی از پایه‌های دموکراسی و مقدمه‌ای برای پذیرفتن نقش آگاهانه برای شرکت در زندگی سیاسی و اجتماعی و تمتع از نعمت آزادی است. در کشورهای پیشرفته تحصیلات تا دوره ابتدایی برای تمام کودکان اعم از دختر و پسر از سن ۶ تا ۱۶ سالگی اجباری است و این تحصیلات ممکن است در مدارس دولتی یا مدارس خصوصی یا در منزل به آنها داده شود و دولت نظارت دارد که کودکان از تحصیلات ابتدایی یا معادل آن برخوردار شوند.

### حق آموزش در قرآن کریم

حق آموزش رایگان و همگانی از جمله حقوق شهروندان است که در زمره حقوق بنیادین بشر می‌باشد و اعلامیه جهانی حقوق بشر بر این حق تاکید دارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ملهم از آموزه‌ها و تعالیم دین مبین اسلام و همسویی با توافقات بین‌المللی به خصوص میثاق بین‌المللی حقوق فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی که دولت ایران از طریق مرجع قانونگذاری اجازه الحاق به میثاق مذکور را یافته است حق آموزش رایگان و همگانی را برای شهروندان به رسمیت می‌شناسد. لیکن صرف درج این حق در قانون اساسی کافی و وافی به مقصود نیست زیرا آنچه اهمیت دارد در دسترس قرارگرفتن آموزش برای همگان و وجود ضمانت‌های اجرایی لازم است هدایت مردم و رهایی افراد بشر از جهل و ظلمت از جمله اهداف پیامبران الهی است. قرآن مجید در آیات متعدد (آیات ۱۲۴ و ۱۴۷ سوره بقره ۱۶۰ آل عمران و ۲ سوره جمعه) تعلیم و تربیت را اساس بعثت پیامبر قرار داده تا به این وسیله زمینه ایجاد جوامع متفکر و توانمند فراهم شود. آن حضرت در تعالیم عالیله خود طلب علم را برای همگان امری واجب می‌شمرد (طلب العلم فریضه علی کل مسلم) و برای دانش‌اندوزی اهمیت ویژه‌ای قائل است که در راه آن حتی رنج بعد مسافت و دیار غربت را باید تحمل نمود.

## حق آموزش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

آموزش و پرورش به عنوان عنصر مهم انسان‌ساز که شرایط ایجاد جامعه متعالی را ایجاد می‌نماید در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تاکید قرار گرفته است. بند دوم اصل سوم مقرر می‌دارد: (دولت موظف است همه امکانات خود را در مورد آموزش و پرورش رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعلیم آموزش عالی به کار برد). همچنین اصل سی‌ام قانون اساسی ایران می‌گوید: (دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به صورت رایگان گسترش دهد). بنابراین دولت مکلف است تا پایان دوره متوسطه وسایل آموزش و پرورش رایگان راحتی در اقصی نقاط کشور و حتی برای اطفال استثنایی فراهم سازد و از طرفی اولیاء اطفال می‌بایستی با استفاده از امکانات اطفال خویش را به تحصیل علم و دانش بگمارند. آنچه اهمیت بیشتری دارد تعمیم آموزش‌های اجباری در سراسر کشور و در دسترس قراردادن برای همه آحاد ملت می‌باشد که در این خصوص در کشورهای وسیعی همچون ایران امکان دسترسی آسان برای همه گروه‌های اجتماعی با توجه به مکانهای جغرافیایی متفاوت اعم از شهر و روستا و جوامع عشایری وجود ندارد. لذا بسیاری از شهروندان از بهره‌مندی از آموزش رایگان محرومند یا به سختی می‌توانند به آن دسترسی داشته باشند. تعمیم آموزش و پرورش، مستلزم امکانات، برنامه‌ریزی و بسیج و پیگیری بی‌وقفه است و باید همواره در راس برنامه‌های کشوری باشد. اولین شرط در زمینه بهره‌مندی از آموزش همگانی رایگان بودن آن است. در صورتی که دسترسی به دانش تنها از طریق پرداخت هزینه خارج از توان افراد ممکن باشد این امکان مساوی یا عدم دسترسی است، روشن است که نباید به خاطر مسائل مالی افراد را از آماده‌شدن و دانستن محروم کرد (دهشیری، ۱۳۸۷: ۹۷). همچنین شرط لازم و نه کافی اجباری بودن حق تحصیل، رایگان بودن آن است. در جوامع امروزی که سطح معیشتی همه مردم در حد عالی نیست واضح است خانواده‌ای که حتی در تامین هزینه اولیه مربوط به حق هیات با مشکل روبه‌روست، نمی‌توان انتظار داشت که هزینه تحصیل فرزندان را نپردازد.



### حق آموزش در قوانین عادی

بیان این نکته نیز لازم است که ممکن است برخی افراد به علل ارادی و مخصوصاً خارج از اراده خود در مواردی مجبور به ترک تحصیل شده و یا عملاً امکان ادامه تحصیل را نداشته باشند. این امر به ویژه در خصوص دوره ابتدایی کمال اهمیت را دارد که دولتها امکانات و راهکارهایی را تعبیه نمایند که این گونه اشخاص حداقل قادر به تکمیل تحصیلات در مقطع ابتدایی باشند این امر می‌تواند از طریق ایجاد نهضت‌های سوادآموزی و مدارس شبانه محقق گردد.

این مسئله از چندان اهمیتی برخوردار بوده است که در میثاق بین‌المللی هم مورد اشاره قرار گرفته است به این بیان که: «آموزش و پرورش پایه باید حتی‌الامکان برای کسانی که فاقد آموزش و پرورش ابتدایی بوده یا آن را تکمیل نکرده باشند تشویق و تشدید بشود». به موجب بند الف ماده ۳ قانون برنامه پنجم توسعه و بند ب ماده ۱۰ همان ارتقای آگاهی و دانش و مهارت همگانی و تقویت بسترهای فرهنگی و دینی و آموزش از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران است. از آنچه بیان کردیم چنین نتیجه می‌شود که همه افراد انسانی اعم از زن و مرد و پیر و جوان بایستی از آموزش و پرورش همگانی و رایگان برخوردار باشند پس احدی را نمی‌توان از تحصیل بازداشت و دولت مکلف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را در اختیار عموم قرار دهد و تحصیلات عالی تا سر حد امکان گسترش دهد (جمشیدی، ۱۳۹۲: ۷۰). باید این موضوع هم مورد اشاره قرار بگیرد که در قانون تاسیس آموزش و پرورش در کشور ما نیز به خوبی معین شده است که هدف از آموزش و پرورش صرفاً اینکه کودکان خواندن و نوشتن یاد بگیرند نیست.

این موضوع در ماده ۱ قانون تاسیس آموزش و پرورش آمده است و در آن بر این موضوع تأکید شده است که رساندن کودکان از لحاظ شکوفایی استعداد و توانایی‌ها به حدی که به عنوان یک فرد موثر بتوانند در جامعه ایفای نقش کنند، یعنی وظیفه تعلیم و تربیت به عهده آموزش و پرورش گذاشته شده است. در ماده ۱ قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش در کشورها تصریح شده است که هدف و در واقع مسئولیت آموزش و پرورش علاوه بر سوادآموزی رشد قصایل اخلاقی، تزکیه در دانش‌آموزان، تبیین

ارزش‌های اسلامی و پرورش دانش‌آموزان براساس آنها، شناخت شکوفاکردن و پرورش استعداد‌های دانش‌آموزان، تقویت روحیه تحقیق و ابتکار آنها است.

### نتیجه‌گیری

اهتمام به آموزش‌های عمومی و تخصصی به شهروندان خواه به منظور پیشگیری از جرم باشد خواه به منظور آگاهی و تعالی بیشتر حقی است که شهروندان بر گردن حکومت دارند و پیشگیری از جرم امری پسندیده است و هریک نظام حکومتی برای پیشگیری از جرم مبتنی بر آموزش این است که همه شهروندان را زنجیرهای اجتماعی بداند و آسیب‌دیدن هر فردی یا جهالت هر کدام بر کل اجتماعی موثر است و پیشگیری آموزش‌مدار بر پیشگیری کیفری مقدم است در بحث پیشگیری اجتماعی از جرم افزون بر توجه به حقوق و آزادی‌های فردی، معیار سودمندی و مفیدبودن و نتیجه منطقی گرفتن مقدم است و باید با آموزش ریشه جهالت و نادانی را خشکاند. نمی‌توان مدعی رعایت حقوق شهروندی بود ولی عده‌ای محروم از آموزش و دانایی باشند و فراهم‌نمودن تمهیدات و مقدمات ضروری آموزش‌های عمومی و تخصصی تکلیف اجتناب‌ناپذیر حکومت است هرچند تک‌تک افراد جامعه در این رابطه در مقابل همدیگر و حکومت هم متعهد و مسئول هستند. امر به معروف و نهی از منکر مقدمه دانایی و توانایی و آموزش عمومی است و آموزش مقرون به صرفه‌ترین و مطمئن‌ترین روش پیشگیری از جرم است و پیشگیری رشد‌مدار، جامعه‌مدار و پیشگیری آموزش‌محور تعیین‌کننده امنیت، عدالت و نظم و برابری اجتماعی و سیاسی و اقتصادی است در عین حال ارزان‌ترین و سریع‌ترین راه رسیدن به مقصد آموزش است. لذا برای این که تدابیر و اقدامات مبتنی بر پیشگیری از جرم پاسخگوی نیازهای اجتماع و حقوق‌دانان و جرم‌شناسان باشد تقویت نظام آموزشی امری اجتناب‌ناپذیر است به عبارت دیگر از دریچه‌ی آموزش و دانایی و ادای حق آموزش است که ریشه‌ی جهل و نادانی که سرمنشأ جرائم است مسدود و نابود می‌گردد. لذا حقوق امنیت و آسایش و عدالت و نظم اجتماعی که نتایج پیشگیری از جرم است از رهرو حق آموزش تامین می‌گردد و جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان بر این اعتقاد هستند که شایسته و نیکوست که پیشگیری رشد‌مدار، مدرسه‌محور، خانواده‌محور و جامعه‌مدار را تقویت و تجهیز کنیم تا نتایج و



برکات آن در آینه هویدا گردد. لازم به ذکر است نقش آموزش‌های عمومی و تخصصی در این رویکرد با برنامه‌ریزی دقیق و کارشناسی بسیار حائز اهمیت است و نقش آموزش‌های حقوقی و کیفری و خانوادگی در این مسیر بسیار موثر و سازنده است و پیشنهاد می‌گردد دانشگاه و مدرسه و پلیس و نهادهای مردمی و انجمن‌های محلی و شوراهای شهر و محلات با مدیریت قوه قضائیه در مسیر پیشگیری اجتماعی از جرم با محدودیت آموزش همراه شوند.

## منابع

## فارسی

به‌پژوه، احمد (۱۳۷۵)، اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان چاپ و نشر

## رویش

جانفکر، عباس (۱۳۸۴)، پیشگیری از جرم و جایگاه دستگاه قضایی در آن، مجله اصلاح و تربی خرداد ۳۹.

جمشیدی، سیروس (۱۳۹۲)، حمایت کیفری از حق بر آموزش، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه

## عقبی

رضوانی، سودابه (۱۳۹۱)، مدیریت انسان‌مدار، ریسک جرم، چاپ اول نشر میزان

زراعت، عباس (۱۳۹۱)، درآمدی بر علوم جنایی، چاپ اول، انتشارات جاودانه

شارع، پور محمود (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، آموزش و پرورش، چاپ سوم، انتشارات

## سمت

مجموعه مقالات همایش کاربردی پیشگیری از جرم قوه قضائیه ۱۳۸۸ داسرای مشهد

نوبهار، رحیم (۱۳۸۸)، آموزه‌های اسلامی، حوزه عمومی، خصوصی و حقوق بشر

## معاصر، انتشارات آیین

نوبهار، رحیم (۱۳۸۸)، مدیریت پیشگیری از جرم در ایران و مطالبه تطبیقی، بنیاد

## حقوقی میزان

نیاورانی صابر (۱۳۸۹)، مزلت حق بر آموزش در نظام بین‌الملل حقوق بشر، دانشگاه

شهید بهشتی مجله تحقیقات حقوقی شماره ۵۲، زمستان



هاشمی سیدمحمد (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، چاپ اول انتشارات میزان

عربی

القران الکریم

المجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ قمری)، بحار الانوار، جلد ۳۱ و ۳۳، مؤسسه الوفاء بیروت

چاپ دوم

ابن اخوه (۱۴۰۸)، معالم القربه فی احکام الحسبه، مکتب الاسلام الاسلامی، قم

لاتین

Protecting Privacy Inan Information Age. The Pr. Blmof Privacy  
in Public. Lawand Ph/Lwsophy.N 1998

Bottoms. A.E (1990) Crime Prientions. Facing The 1990

Poling and Society.1. No.1. P.P.3-2

Garham.P.Q. Ckarcj.J(2001)- Pangersploces

Crime and City. Inmucic

Borrigan (2005) Proite Penal. Paris. Masson

۲۸۱



سیاست جهانی